



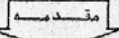
پسوی سوسیالیسم

ارگان تئوریک - سیاسی اتحاد مبارزان کمونیست

شماره ۳

۵ رباع

شیوه برخورد لنین به دولت کرنسکی پس از شورش کورنیلف



اوت است که اینرا می نویسم و گیرندگان آن قبل از دم سیتا مبرموق به خواندنش نمی شوند. مع الوصف، وظیفه خود می دهم که مسائل زیر را بنویسم:

شورش کورنیلف یک چرخش بسیار غیرقابل انتظار، و بطرز باورنکردنی تند در اوضاع است (غیرقابل انتظار، از آنرو که در چنین لحظای و در چنین شکلی رخ می دهد).

این چرخش، مانند هر چرخش تند، تجدید نظر و تغییر در تاکتیک ها را طلب می کند. و چون همیشه، در تجدید نظر کردن باید فوق العاده مواظب باشیم که از پرنسپ ها عدول نکنیم.

عقیده من براین است که آن افرادی دچار بی پرنسپیی می شوند که (مانند ولیدارسکی) به سیاست دفاع طلبی و یا (مانند دیگر بلشویک ها) به سیاست تشکیل بلوک با س - آرهاو حمایت از دولت موقت سقوط می کنند. برخورد آنان مطلقا اشتباه و از روی بی پرنسپیی است. **مانتها پس از انتقال قدرت به پرولتاریا، پس از پیشنهاد صلح، پس از از میان رفتن قرار دادها و وابستگی های مخفی با بائک ها - تنها پس از اینها - است که دفاع طلب خواهیم شد. نه تسخیر و یا نسیب است تسخیر بطر و گراد، هیچیک ما را دفاع طلب نخواهد کرد. (خیلی دلم می خواهد ولیدارسکی اینرا بخواند). تا آن زمان ما خواهان انقلاب پرولتری خواهیم بود، ما علیه جنگ بوده و دفاع طلب نیستیم.**

حتی الان هم نباید از دولت کرنسکی حمایت کنیم. این بی پرنسپیی است. ممکن است از ما سوال شود: آیا ما علیه کورنیلف نخواهیم جنگید؟ البته که باید چنین کنیم! اما این دو یک چیز نیست! یک خط فاضل در اینجا وجود دارد که برخی بلشویک ها، آنان که به موضع سازش افتاده اند و بخود اجازه می دهند که سیر وقایع آنان را **بایخود ببرد**، از سر آن می برند.

ما خواهیم جنگید، ما با کورنیلف در حال جنگیم، درست همانطور که سربازان کرنسکی هستند، لیکن ما از کرنسکی حمایت نخواهیم کرد. **بالتکس**

اکنون، در مکی از نتیجه های تاریخ معاصر، که نیروهای سیاسی با وضع تمام ما هست طبعی خود را بنمایش می گذارند، در شرایطی که ماسکها از چهره زوده می شود و ابرو شرمش می هیچ در مکی به سوسال نویسیم بدل می گردد، جنبش کمونیستی طبقه انقلابی ایران وظیفه دارد با **ائک** به برنامه انقلابی پرولتاریا، بی آنکه لحظه ای از وظیفه تاریخی پرولتاریا - کسب قدرت سیاسی - چشم ببندد با مراجعه به گنجینه عظیم جنبش جهانی کمونیستی و در میان آن آموزشهای لنین میبانی تاکتیک انقلابی را بسازد. **مخدا لنین در برخورد با شورش کورنیلف بعنوان تلاش عدالت انقلاب مغلوب روسیه پس از انقلاب قریبه که بمنظور اعاده قدرت سیاسی ارتجاعی ترین محافل بورژوازی، ملائین و باندهای سیاه صورت می پذیرد، در همان حال مرز بندی قاطع و انقلابی با دارو بدست کرنسکی، کوچک، لووف - بورژوازی حاکم - و اینها چسبده و شوره نلی، تسلیم جوهر تاکتیک لنینی است: اعتماد به پرولتاریا، عدم اعتماد به بورژوازی، تکیه عملیات انقلابی - عمل و نه جمله پردازی - تکیه مداوم بر مفاع آسای پرولتاریا - تا - کید برخما بین اهلی کل رژیم سرما به داری با محاسبه شرایط مشخص. بنیاد این تاکتیک مشخص لنین مبارز است از شمارش بیست اشکال متفاوت و در همین حال انقلابی نزدیکی پرولتاریا به کسب قدرت سیاسی. شمارش بین تمام علیه کل بورژوازی و جنگ انقلابی علیه اردوگامی از آن. از نظر لنین شرکت در جنگ علیه کورنیلف (کاری که بطور همزمان ارتش کرنسکی به انجام آن مشغول است) با مبارزه علیه کرنسکی **الترناتسویک** بگز نیستند. آنچه که سیاست انجام پذیرد آنستکه شرکت مستقل پرولتاریا در جنگ تا مین شود و جنگ به جنگی انقلابی بدل گردد: شرکت مستقل پرولتاریا در جنگ علیه کورنیلف، طرح مطالبات حداقل، افشای بی امان و بیگانه فدا انقلاب حاکم، کشیدن توده ها به عرصه مبارزه و برانگیختن و تسبیح آنان، چیزی جز تضعیف بورژوازی و نزدیکی پرولتاریا به کسب قدرت سیاسی نیست.**

جنبش کمونیستی ایران وظیفه دارد در برخورد با اشکال گو - ناگون طلبهای فدا انقلاب بورژوا - امپریالیستی که به منظور پیوستن به بی کارگران و زحمتکشان انقلابی ایران صورت می - گیرد، بجای تکرار مداوم نظرات لنین - بی کسی که گراوند در بند - و بجای قریبه سازبهای بی ربط تاریخی، به فراگیری اسلوب و مواج لنینی بپردازد به طرح و اتخاذ تاکتیک های انقلابی درست زند.

اتحاد مبارزان کمونیست
۵۹/۷/۱۲

به کمیته مرکزی ج. ک. س. در - (حزب - کارگر سوسال دموکرات روسیه)

شاید این بطور دیربدمت شما برسد، چرا که وقایع آنچنان سریع رخ می دهد که گاهی - انسان راه سرگیده می اندازد، روز چهارشنبه ۳۰

ضعف و ارفاش خواهیم نمود. تفاوت اینجا است. این تفاوتی نسبتاً ظریف، منتهی بسیار اساسی است و نباید فراموش شود.

بدین ترتیب تغییر تاکتیک هایمان پس از نورش کورنیلف عبارت از چیست؟

ما شکل مبارزه خود علیه کرنسکی را تغییر ندهیم. ما بی آنکه حتی یک ذره دشمنی خود را نسبت به او تخفیف دهیم، بی آنکه (حتی یکی از حرفه‌هایی را که علیه او زده‌ایم پس بگیریم، بی آنکه از وظیفه سرنگونی او عدول کنیم، می‌گوییم که می‌باید شرایط جدید را حساب آورد. کرنسکی وارد حال حاضر سرنگون خواهیم کرد. وظیفه مبارزه علیه وی را بگونه‌ای دیگر عملی می‌کنیم، یعنی به مردم (کسانی که علیه کورنیلف می‌جنگند) ضعف‌ها و تزلزل‌های کرنسکی را نشان خواهیم داد. این درگذشتیم انجام شده است.

اما حالا، این مسأله اهمیت حیاتی یافته است و این همان تغییر در تاکتیک است. به علاوه، تغییر [در تاکتیک] در این نهفته است که اکنون تشدید بی‌کارما برای ارائه نوعی "مطالبات غیر سطرانیه" به کرنسکی برای ما اهمیت حیاتی یافته است؛ میلیوف را دستگیر کنید، کارگران را مسلح کنید، سربازان را برانداخت، و بیورگ و هلسینگ فوراً راه بطورگرا درخواهید، دوما را منحل کنید، رودزیا نکورادستگیر نمایید، انتقال لاملاک اربابی به دهقانان را قانونی کنید، کنترل کارگران برقله و کارخانه‌ها را معمول دارید و غیره و غیره.

ما باید این مطالبات را نه تنها به کرنسکی و نه آنگدرها به کرنسکی که به کارگران، سربازان و دهقانانی که سیرمایان از علیه کورنیلف آنان را ز خود غرقه کرده است، ارائه دهیم. باید استیاق آنان را زنده نگه داریم، تشویقشان کنیم که با زئرال ها و افسرانی که با کورنیلف هم‌دست شده‌اند، حسابان را تسویه کنند. از آنان خواهیم که بلافاصله انتقال زمین به دهقانان را خواستار شوند، به آنان بگوییم که دستگیری رودزیا نکور و میلیوف، انحلال دوما، بستن دروز-نامه "رج" و سایر روزنامه‌های بورژوازی و تحت پیگردار دادن آنها امری ضروری است. بخصوص آن - آرها "چی" را باید در این جهت سوق داد.

بسیار اشتباه است که تصور کنیم از وظیفه کسب قدرت بوسیله پرولتاریا دورتر گشته‌ایم. خیر. سبب آن نزدیک شده‌ایم، نه مستقیماً، بلکه از پهلوی. در حال حاضر ما نباید آنقدرها مستقیم علیه کرنسکی مبارزه کنیم که غیر مستقیم باید چنین کنیم، یعنی از طریق مطالبه جنگی حقیقتاً انقلابی و هرچه فعالتر علیه کورنیلف. تنها

توسعه این جنگ، قادر است ما را به قدرت برساند. اما باید حتی المقدور بسیار کم از این مطلب در ترویج مان صحبت کنیم (با یادداشتن این مسأله که چه بسا وقایع حتی فردا قدرت را در دست ما بگذارد و آنگاه آنرا از دست نخواهیم داد). اینطور بنظر می‌رسد که این مطلب می‌باید از طریق نامه (نه روزنامه‌ها) با اطلاع گروه‌های مروج و مبلغ و اعضای حزب، بطور کلی، برسد. ما باید بی‌امان علیه عباراتی چون دفاع از کشور، جبهه متحد دموکرات‌های انقلابی، حمایت از دولت موقت، و غیره و ذالک مبارزه کنیم، چرا که اینها تنها عباراتی توخالی‌اند. ما باید بگوییم: الان زمان عمل است؛ شما آقایان اس-آر و منشویک مدتهاست که این عبارات را می‌شنیدل کرده‌اید. الان زمان عمل است؛ جنگ علیه کورنیلف باید به شیوه‌ای انقلابی رهبری شود، از طریق به عرصه کشاندن توده‌ها، از طریق بیدار کردن آنان و برافروختنشان (کرنسکی از توده‌ها می‌ترسد، از مردم می‌ترسد)، در جنگ علیه آلمان هاهم اکنون باید عمل کرد، طرح فوری ویسی قید و شرط، بر اساس موازین روشن می‌باید برقرار شود. اگر این امر عملی گردد، یک ملح سریع می‌توان بدست آورد و جنگ می‌تواند به یک جنگ انقلابی بدل شود. در غیر اینصورت کلیه منشویک‌ها و انقلابیون سوسیالیست (اس-آرها) توکلان امپریالیسم باقی خواهند ماند.

بعداً تحریر: پس از خواندن شماره از "رابوچی" چی، بعد از نوشتن این مطلب، می‌باید بگویم که نقطه نظر اتمان منطبق است. من از ته قلب مسأله‌ها، نقد مطبوعات و مقالات درم‌خان رابه و م و ول - ای تهنیت می‌گویم. اما درباره سخنرانی ولوداریکی، نامه‌ای که بهمان هیئت تحریریه را خواندم، نامه‌ای که بهمان صورت انتقادات مرا "درز می‌گیرد". یک بسیار دیگر سلام گرم و تبریکات ممیمانه مرا بپذیرید.

لنین

کلیات آشناس (انگلیسی) جلد ۲۵ صفحات ۲۹۳-۲۸۹ برای اولین بار در پراودا شماره ۲۵، ۲ نوامبر ۱۹۲۵ منتشر شد.

* رابوچی (کارگر) - ارگان مرکزی حزب بلشویک که بصورت یومیه از ۲۵ اوت (۲ سپتامبر) تا ۲ سپتامبر (۱۵) ۱۹۱۷ بجای پراودا که توسط دولت موقت توقیف شده بود، منتشر می‌شد. با احتساب ضمیمه‌ها، در کل ۱۲ شماره آن بحساب رسید.